



آیا ما تصویر درستی از «آنچه مصیبت می‌خوانیم» داریم؟

روی سپید مصیبت

■ محمد مهر

شاید باور کردنی نباشد اما مصیبت – آنچه به ما اصابت می‌کند و خوشایند ما نیست از جمله: مرگ عز یزان، از دست دادن اموال، بیماری و نظایر آن – روی سپیدی هم دارد. اما این روی سپید چیست؟ رشد آگاهی و پوست‌اندازی فکری، یعنی همان مطاع گرانتقدری که ما هر جایی که به عقل تان برسد به دنبالش این سو و آن سو می‌رویم اما کم‌تر می‌یابیمش. حتی گاهی با خواندن کتاب‌ها و رفتن به کارگاه‌های متعدد و ملاقات با افرادی که از نگاه ما خبره هستند به دست نمی‌آید. با این حال روی سپید مصیبت به ما نشان داده نخواهد شد مگر اینکه از پرسپژنی دائمی، شکایت و نالیدن مکرر در چنین موقعیت‌هایی دست برداریم، همچنان که در فرهنگ دینی ما، تسلیم شدن و رضایت دادن در چنین موقعیت‌هایی بسیار سفارش شده است چرا که بدون تسلیم حقیقی و رضایت، چشمان ما به سمت واقعیت آن مصیبت – و نه پندار ما دربارۀ آن رویداد – بسته خواهد ماند.

■ ■ ■
آیا مصیبت، همان گونه ناراحت‌کننده‌است که ما می‌پنداریم؟

روزهایی که ما از سر می‌گذرانیم با یک مصیبت جمعی یا همگانی روبرو هستیم، ویروس کرونا بی‌توجه به مرزبندی‌های جغرافیایی، جنسیتی و طبقاتی در جهان می‌تازد. بسیاری از ما را در خانه‌هایمان حبس کرده است، کسب و کارهای بسیاری را به تعطیلی کشانده است، بسیاری از افراد طعم گس و تلخ بیکار شدن را می‌چشند، این بخش قابل توجهی از دست‌دادن آیینیه و تماشای از دست داده‌اند، با سایه از دست‌دادن کار را مثل جفدی می‌بینند که دائم بالای سرشان می‌چرخد. افراد زیادی هم با آن که برخور دارند و دچار چالش‌های معیشتی نشده‌اند اما استرس‌های روانی و ذهنی ناشی از متحمل می‌شوند چون احتمال ابتلا به این بیماری حتی با وجود مراقبت‌های بسیار، بالاست بنابر این افرادی هستند که با وجود تمکن مالی بالا، احساس نوعی استیصال را با خود حمل می‌کنند چون قایل ویروس هستند که کشورهای دنیا را درنوردیده و راه گریز و مفری را باز نگذاشته است. در آن سو کسانی هستند که عزیزان خود را به خاطر شیوع این ویروس از دست داده‌اند اما شرایط موجود به نحوی پیش رفته که آنها حتی از برگراری یک مراسم سوگواری ساده برای تسلی یافتن نیز محروم مانده‌اند. کودکان را بگناید جای این افراد؛ پدری، مادری یا برادری کرونا گرفته و جان خود را از دست داده است اما حتی نمی‌توانید با خیال راحت سرگور او بروید، نمی‌توانید مراسم سوگواری در مسجد یا خانه‌تان بر گزار کنید، دوستان و فامیل هم به خاطر پایبندی به پروتکل‌های قرنطینه در کنار تان نیستند، آغوشی وجود ندارد، تسلاهی نیست. اما آیا این همه داستان است؟ آیا مصیبت واقعا آن‌گونه که ما تصور می‌کنیم روی سیاه و زشتی دارد؟ یا نه ما به خاطر پندارها و پیش‌فرض‌هایمان چهره مصیبت را این‌گونه زشت می‌بینیم؟

مثال اندوهباری که نور در خشان آگاهی در آن می‌درخند

ممکن است کسی پرسد در مصیبت، چه دروازه‌ای به سمت رحایی وجود دارد یا آن روی سفید مصیبت کجاست؟ به این مثال توجه کنید: چند روز پیش خبر بسیار تلخ و ناگواری می‌خواندم که در منابع خبری انتشار یافته بود، سه عضو یک خانواده جان خود را از دست داده بودند، اما چگونه؟ پدر خانواده دچار کرونا شده بود و جان خود را از دست داده بود. پسر خانواده گویا انتظار داشته که فامیل، بستگان و همسایه‌ها به این واقعه عکس‌العمل نشان دهند و به آنها تسلی دهند، در خانه آنها حاضر شوند و به آن دلداری بدهند. انتظار پسر خانواده مطابق با آنچه که در رسانه‌ها انتشار یافت دریافت تسکین و تسلی از سوی دوستان و اطرافیان بوده اما به خاطر اینکه این انتظار برآورده نمی‌شود پسر حدود سه هفته بعد از فوت

پدر دست به خودکشی می‌زند و مادرش نیز به خاطر فشار شدید عصبی بعد از دست دادن همسر و پسر باقرص برنج به زندگی خود پایان می‌دهد.

این مثال بسیار اندوهبار است اما می‌تواند ما را به سمت نور درخشان آگاهی بکشاند. سؤال این است: آیا خانواده‌های دیگری در ایران یا حتی جهان، مشابه با موقعیت این خانواده، وجود ندارند؟ بدون آن که قصد سرزنش داشته باشیم این سؤال را طرح می‌کنیم که اگر پسر جوان این خانواده، وجود نداشت؟ بدون آن که قطعاً تسکین یافتن از سمت دیگران را در خود تعدیل می‌کرد دست به خودکشی می‌زد؟ اگر ما آگاه باشیم قطعاً تاب‌آوری ما در حوادث ناخوشایند نیز افزایش خواهد یافت همچنان که می‌بینیم افرادی دینداری حقیقی را در خود پروراندند تاب‌آوری بالایی در مصایب دارند چون آنها به معرفت و آگاهی بالاتری رسیده‌اند. مثلاً گفته شده وقتی به امام(ره)، خیر در گذشت آیت‌الله مصطفی‌خیمینی داده می‌شود از دست دادن فرزند خود را نشان‌های از الطاف خفیه الهی می‌دانند. توجه می‌کنید؟ جان آگاه می‌تواند از فراز بالاتری به رویدادها نگاه کند. جان آگاه می‌داند که خداوند در نهایت، خیرخواه اوست و مذاق – خوشایندها و ناخوشایندها- انسان همیشه ترازو و عیار درستی برای ارزیابی رویدادها نیست.

مصیبتی که مرا به من نشان می‌دهد آیینیه است

اما روی سپید مصیبت آنجاست که مرا به من نشان می‌دهد، آدم‌ها در شکل روزمره زندگی فرصت رؤیت حقیقی خود را از دست می‌دهند به خاطر اینکه غرق واقعیت خود، ما در روزمرگی یعنی آنجایی که همه چیز نسبتاً خوب پیش می‌رود بیشتر از هر زمان در خطر از دست دادن آگاهی و توهم زدگی قرار می‌گیریم. مثلاً من وقتی بیمار نشده‌ام دچار توهم روبین تنی می‌شوم و قدرت تن را به خود نسبت می‌دهم، اما به محض اینکه بیمار می‌شوم آن توهم روبین تنی جای خود را به واقع بینی می‌دهد، وقتی اوضاع خوب پیش می‌رود من تصور می‌کنم قدرت مدیریت من، شرکت را پیش می‌برد، اما وقتی شرکت گرفتار می‌شود فرصتی برای زدودن توهم‌ها پیش می‌آید، البته به شرط آن که من گرفتار فراقکنی‌های شدید نباشم، یعنی عادت نکرده باشم پیروزی‌ها را صرفاً به خود و شکست‌ها را فقط به دیگران نسبت دهم، که در این صورت مصیبت، ظرفیت خود برای بیدار کردن مرز از دست خواهد داد، یا بهتر است بگویم من از ظرفیت‌های مصیبت برای بیدار شدن بی‌بهره خواهم بود.

اگر چالشی نبود، ظرفیت‌ها شناسایی نمی‌شد

در همین رخداد کرونا ما زاویه‌های بسیار درخشانی را در زندگی انسان‌ها شاهد بودیم. افرادی ظرفیت خدمت،

ایثار و نوع‌دوستی را بیش از هر زمان دیگری در خود کشف کردند. شما فکر می‌کنید اگر مصیبتی پیش نیاید کسی می‌تواند ظرفیت‌های درونی خود را کشف کند؟ اگر مثلاً هیچ مصیبتی در این جهان روی نمی‌داد یعنی هیچ نقصان مالی پیش نمی‌آمد، آیا کسی می‌توانست ظرفیت کمک کردن را در خود کشف کند. به تعبیر یکی از علمای شیعه: سخاوتمند بیشتر به گدا و نیازمند نیاز دارد تا گدا و سخاوتمند، چون اگر گدا و نیازمند نبود سخاوتمند قرار بود به چه کسی کمک کند. یعنی چطور می‌توانست بخشیدن را تمرین کند؟ اگر کرونا یا سیل یا زلزله یا هر ناسامانی جمعی که ما امروز در زندگی بشر می‌بینیم نبود افراد چطور می‌توانستند ظرفیت خدمت را در خود شناسایی کنند. همچنان که بارها در تصاویر رسانه‌ها تکرار شد و حتی ما با چشم خودمان در خیابان‌ها، میدان‌ها و مراکز دیدیم جوان‌های بسیاری بودند از مصیبتی که روی داده بود در جهت خدمت بهره بردند و از دروازه آگاهی عبور کردند جوان‌هایی که ماسک می‌دوختند، جوان‌هایی که آب هویج می‌گرفتند، جوان‌هایی که بطری‌های ضدعفونی‌کننده را آماده می‌کردند، جوان‌هایی که کمپین‌های کمک به خانواده‌های نیازمند را طراحی و کمک‌های مردمی را جمع‌آوری می‌کردند.

چه کسی رشد می‌کند؟ آنکه بلاکش باشد

گاهی ما برای رشد کردن و آگاه شدن صرفاً فضاهای روزیایی را به رسمیت می‌شناسیم و می‌خواهیم خیلی شیک، تمیز و بدون هیچ زخم و جراحی‌ت رشد کنیم. احتمالاً این بیت شاهکار حافظ که «ناز پرورد تنم نبرد راه به دوست/ عاشقی شیوه رندان بلاکش باشد» ناظر به همین معناست. حافظ به ما می‌گوید اگر می‌خواهی

مصیبتی که مرا به من نشان می‌دهد آیینیه است

اگر می‌خواهید به رشد برسید فکر اینکه می‌توان هم رشد درونی را تجربه کرد و هم مصایب را دور زد از سر بیرون کنید. آیه ۵۵ سوره بقره در قرآن از این نظر شگفت‌انگیز است. این آیه به ما می‌گوید: قطعاً ما شما را به چیزی از ترس و گرسنگی و کاهش اموال و نفوس و فرزندان می‌آزماییم و ای پیامبر به کسانی که صبر پیشه می‌کنند بشارت ده. در این آیه خداوند، تکلیف همه ما را روشن می‌کند که نمی‌توانیم راهروی حقیقت باشیم و بدون آزمونده شدن در کوران و کوره حوادث پیش برویم.



سبک‌زندگی

سبک‌زندگی ۸۸۴۸۴۷۱



روی سپید مصیبت آنجاست که مرا به من نشان می‌دهد، آدم‌ها در شکل روزمره زندگی فرصت رؤیت حقیقی خود را از دست می‌دهند به خاطر اینکه غرق شدن در روزمرگی یعنی از دست‌دادن آیینیه و تماشای واقعیت خود. ما در روزمرگی یعنی آنجایی که همه چیز نسبتاً خوب پیش می‌رود بیشتر از هر زمان در خطر از دست دادن آگاهی و توهم زدگی قرار می‌گیریم. مثلاً من وقتی بیمار نشده‌ام دچار توهم روبین تنی می‌شوم و قدرت تن را به خود نسبت می‌دهم، اما به محض اینکه بیمار می‌شوم آن توهم روبین تنی جای خود را به واقع بینی می‌دهد

به ملاقات دوست- استعاره از حقیقت، آگاه شدن، رشد کردن و رسیدن به توحد- نائل شوی آگاه باش این در گاهی نیست که ناز پروردها را به آن جاره دهند یعنی کسانی که هیچ چالشی را در زندگی نمی‌پذیرند و اگر هم به استقبال چالش و مصیبتی بروند آن استقبال به واسطه ناله و شکوه، شکایت و مقاومت در برابر آن چیزی است که روی داده است، اما چه کسی می‌تواند به آن رشد درونی و آگاهی برسد: عاشقی شیوه رندان بلاکش باشد، یعنی صرفاً با عاشقی می‌توان از مصایب عبور کرد و آن روی خجسته‌چالش‌ها را دید اما چه کسانی می‌توانند عاشقی کنند؟ کسانی که بلاکش باشند یعنی بتوانند بالا راکشند یا به عبارت دیگر چالش‌ها را تاب بیاورند.

مهم است چگونه به استقبال مصیبت می‌روی

پس اگر می‌خواهید به رشد برسید فکر اینکه می‌توان هم رشد درونی را تجربه کرد و هم مصایب را دور زد از سر بیرون کنید. آیه ۵۵ سوره بقره در قرآن از این نظر شگفت‌انگیز است. این آیه به ما می‌گوید: «لنبلونکم بشیء من الخوف والجومع و نقص من الاموال و الانفص و الثمرات و بشر الصابرين/ قطعاً ما شما را به چیزی از ترس و گرسنگی و کاهش اموال و نفوس و فرزندان می‌آزماییم و به کسانی که صبر پیشه می‌کنند بشارت ده». در این آیه خداوند، تکلیف همه ما را روشن می‌کند که نمی‌توانیم راهروی حقیقت باشیم و بدون آزمونده شدن در کوران و کوره حوادث پیش برویم. چالش‌هایی نظیر کرونا به عنوان یک مصیبت همگانی و چالش‌های فردی دیگری که ما در زندگی با آنها روبرو هستیم برای رشد یافتن و آگاه شدن گریزناپذیر هستند، اما چه کسانی می‌توانند به سلامت از این چالش‌ها عبور کنند و در واقع از این دروازه در جهت آگاه شدن استفاده کنند؟ خداوند می‌گوید بشارت بده به صابران، کسانی که با گلایه و شکایت به استقبال مصیبت نمی‌روند. فرق نمی‌کند مصیبت در چه سطحی باشد وقتی ما به واسطه گلایه و شکایت به استقبال یک چالش می‌رویم در واقع فرصت جوانه زدن را بذر آگاهی می‌گیریم. در این چند وقتی که از همه‌گیر شدن کرونا گذشته چقدر کلیف و محتوا در شبکه‌های اجتماعی نظیر به گلایه و شکایت منتشر شده است. مثلاً می‌بینید کسی از شستن بسته‌های خرید خود در سینک ظرفشویی فیلم تهیه کرده و صدای او در پس زمینه این فیلم وجود دارد که شکوه کنان و نالان غر و لند می‌کند که این دیگر چه زندگی است. فقط این مانده است که نان‌هایمان را هم در کف صابون و وایتکس بریزیم و بعد بخوریم. اگرچه کلیف‌هایی از این دست ممکن است خوشمزه به نظر برسند و برای دقایقی می‌ساعاتی حتی ما را مشغول نگه دارند و ما حتی به این کلیف‌ها بخندیم و به این ترتیب دیگران هم تشویق شوند که کلیف‌ها و محتواهایی از این دست را تولید و در شبکه‌های اجتماعی عرضه کنند، اما واقعیت این است که در همه این محتواها آن اسکت‌بندی اصلی مبتنی بر شکایت و گلایه و نپذیرفتن و مقاومت در برابر مصیبت یا حادثه‌ای است که روی داده است. شما خود می‌توانید با اندکی حضور در شبکه‌های اجتماعی متوجه این رویداد شوید که تا چه اندازه محتوای مبتنی بر ایجاد حسرت- چقدر در گذشته خوشبخت بودیم و نمی‌دانستیم وای کاش آن روزها بود- و ترس و وحشت- اگر قرار باشد این ویروس ماها و سال‌ها یا ما باشد در آن صورت چه کنیم؟ - همه این‌ها شکل‌هایی از مقاومت در برابر آن چیزی است که روی داده است، اما چه کسی در برابر مصیبت مقاومت نمی‌کند و از دروازه مصیبت به سمت آگاه شدن استفاده نمی‌کند؟ کسی که صابر است، صابر هم کسی نیست که یک گوشه‌ای بنشیند و منتظر باشد و دست به هیچ کاری نزند. نه صابر کسی است که به واسطه آرامشی که در درون او مستقر شده از این آرامش در جهت خدمت به دیگران بهره می‌برد. مثلاً می‌بینید کسی پشت چرخ خیاطی نشسته و در حالتی خیر خواهانه و عام‌المنفعه بی‌آنکه سودی شخصی داشته باشد ماسک بهداشتی تهیه می‌کند یعنی وسط چالش یا مصیبت، دروازه‌ای به سمت خدمت باز کرده است.

نگاه



نگاهی به گفته‌ها و اندیشه‌های لی ادلکورت متخصص پیش‌بینی روندها

کرونا، دعوتی به کاستن از شتاب جهانی

■ لی ادلکورت، متخصص پیش‌بینی روندها در گفت‌وگویی – جملات داخل گیومه به نقل از هفت هنر – نکات جالبی در ارتباط با شیوع جهانی ویروس کرونا می‌گوید که می‌تواند آن روی سپید مصیبت را بیشتر به ما یادآوری کند: «به نظر می‌رسد ما جمعاً در حال ورود به یک قرنطینه مصرف هستیم که در آن خواهیم آموخت چطور فقط با یک لباس شاد باشیم، داشته‌های محبوب قدیمی خود را از نو کشف کنیم، کتابی را فراموش شده بخوانیم و حساسی مایه بگذاریم تا زندگی را زیبا کنیم.» او در ادامه با این استدلال که این ویروس همچنین نشان می‌دهد چطور اختلال اقتصادی می‌تواند مزایای محیط‌زیستی داشته باشد به کاهش انتشار کربن و آلودگی صنعتی چین پس از آغاز شیوع کرونا در این کشور اشاره می‌کند و می‌گوید: «تساویر جدید از هوای بالای چین نشان داد چطور دو ماه بدون تولید، هوای آسمان را صاف کرده و به مردم اجازه داده نفس بکشند. این یعنی ویروس نشان خواهد داد که چطور کاهش سرعت یا تعطیلی صنایع می‌تواند محیط‌ز بست بهتری بیافریند که قطعاً در مقیاس بزرگ قابل مشاهده خواهد بود.»

در واقع آنچه این متخصص به درستی روی آن انگشت می‌گذارد این است که شاید واقعاً ما باید در صحت کارکرد خط کش و معیاری که به واسطه آن موقعیت‌های سودبخش و فاجعه‌بار را با آن می‌سنجیم تجدید نظر کنیم. در واقع ما می‌توانیم در این باره به

شکافت‌انگیز خواهد بود که با درک و دریافتی تازه ه متوجه شویم آنچه ما پیش‌تر موقعیتی دهشت‌بار و فاجعه‌آمیز می‌دانستیم در حقیقت موقعیتی شفا بخش و ترمیم‌کننده بوده‌است و برعکس. همچنان که در روزهای اخیر هم شاهد بودیم با کاهش فعالیت خودروها و کارگاه‌ها و کارخانه‌ها کیفیت هوای بسیاری از کلانشهرها بهبود یافت، یا قی‌المثل بسیاری از افراد هزینه‌ای بابت خرید لباس‌های بیشتر پرداخت نکردند و متوجه لباس‌های متعددی شدند که این حجم وحشتناک از مسافرت‌های بین‌قاره‌ای و منطقه‌ای و حتی مسافرت در مرزهای درون کشورها را متوقف کنیم، به خاطر اینکه این حجم از مسافرت‌ها به معنای مصرف انرژی فراوان و انباشت گازهای گلخانه‌ای و آسیب‌های جدی به محیط‌زیست است، بنابراین با چنین چشم‌اندازی دیگر از اینکه چرا این همه پرواز کنسل شده است نگران نخواهیم شد و آن را فاجعه‌بار نخواهیم دانست. در واقع ظهور پدیده‌ای مثل کرونا می‌خواهد به ما بگوید زندگی بشر حتی بدون این همه پرواز هم به بن بست نخواهد رسید و نه تنها در فرازدمت آنچه ما بن‌بست می‌خوانیم اتفاق نمی‌افتد بلکه نوع تاز‌های از زندگی مسالمت‌آمیز با طبیعت، نوع جدیدی از زندگی با مصرف محدودتر، نوع جدیدی از نظام‌های سیاسی و اقتصادی هم متولد خواهد شد که احتمالاً کاری بسیار بالاتر با بی‌بیاهو و با مصرف کم‌تر دعوت می‌کند نام این رخداد، فاجعه است؟

دلکورت در بخش دیگری از این گفت‌وگو می‌گوید: «تأثیر شیوع این ویروس وادارمان خواهد کرد پدیده‌ای چون کرونا فرصتی برای دام انداختن این نوع تولیدهای آسیب صرفاً میان دوستان صمیمی و خانواده بی‌سرگرمی باشیم و یاد بگیریم خودبسنده مراقب باشیم. به یکبار، شوهای فنشن به نظر عجیب و بلامحل می‌آید، تبلیغات مسافرتی که وارد فضای کامپیوتری‌مان می‌شود متجاوزانه و مسخره به چشم می‌آید، فکر پروژه‌های آتی هم مبهم و بی‌نتیجه است. اصلاً اهمیتی هم خواهد داشت؟ هر روز یکی از سیستم‌هایی را که از زمان تولد احتمال مرگشان را در نظر بگیریم، چندین سال است که روی داده است. شما خود می‌توانید با اندکی حضور در شبکه‌های اجتماعی متوجه این رویداد شوید که تا چه اندازه محتوای مبتنی بر ایجاد حسرت- چقدر در گذشته خوشبخت بودیم و نمی‌دانستیم وای کاش آن روزها بود- و ترس و وحشت- اگر قرار باشد این ویروس ماها و سال‌ها یا ما باشد در آن صورت چه کنیم؟ - همه این‌ها شکل‌هایی از مقاومت در برابر آن چیزی است که روی داده است، اما چه کسی در برابر مصیبت مقاومت نمی‌کند و از دروازه مصیبت به سمت آگاه شدن استفاده نمی‌کند؟ کسی که صابر است، صابر هم کسی نیست که یک گوشه‌ای بنشیند و منتظر باشد و دست به هیچ کاری نزند. نه صابر کسی است که به واسطه آرامشی که در درون او مستقر شده از این آرامش در جهت خدمت به دیگران بهره می‌برد. مثلاً می‌بینید کسی پشت چرخ خیاطی نشسته و در حالتی خیر خواهانه و عام‌المنفعه بی‌آنکه سودی شخصی داشته باشد ماسک بهداشتی تهیه می‌کند یعنی وسط چالش یا مصیبت، دروازه‌ای به سمت خدمت باز کرده است.

بهرانی مثل کرونا به ما نشان می‌دهد شاید پنج‌صده‌ای که به

سخت‌بشر در جهت اصلاح رفتارها، ایده‌ها، مکاتب اقتصادی و سیاسی، شکل تولید و مصرف و نوع رابطه با محیط‌زیست گشوده شده است.

بهرانی مثل کرونا به ما نشان می‌دهد شاید پنج‌صده‌ای که به سمت بشر در جهت اصلاح رفتارها، ایده‌ها، مکاتب اقتصادی و سیاسی، شکل تولید و مصرف و نوع رابطه با محیط‌زیست گشوده شده است.



بهرانی مثل کرونا به ما نشان می‌دهد شاید پنج‌صده‌ای که به سمت بشر در جهت اصلاح رفتارها، ایده‌ها، مکاتب اقتصادی و سیاسی، شکل تولید و مصرف و نوع رابطه با محیط‌زیست گشوده شده است.

سال است که فهمیده‌ایم بقا به عنوان یک گونه از موجودات زنده و حفظ زندگی زمین باید تغییرات شدیدی در شیوه زندگی، مسافرت، مصرف و سرگرمی خود بدهیم. به‌هیچ‌وجه امکان ادامه تولید همین تعداد کالا و همین تعداد انتخابی که عادت‌مان شده داریم. انبوه اطلاعات ناتوان‌کننده درباره هیچ و پوچ، فرهنگ ما را کرخت کرده‌است. نسل‌های جوان‌تر هر روز بیشتر می‌فهمند که داشتن و تلتبار کردن لباس و ماشین دیگر حتی جذاب هم نیست»

در واقع بحرانی مثل کرونا به ما نشان می‌دهد شاید پنج‌صده‌ای که به سمت بشر در جهت اصلاح رفتارها، ایده‌ها، مکاتب اقتصادی و سیاسی، شکل تولید و مصرف و نوع رابطه با محیط‌زیست گشوده شده است در عین باارزش بودن، بسیار کوتاه است. در واقع ما زمان زیادی برای انجام این تغییرات نداریم. زمان زیادی نداریم که این حجم وحشتناک از مسافرت‌های بین‌قاره‌ای و منطقه‌ای و حتی مسافرت در مرزهای درون کشورها را متوقف کنیم، به خاطر اینکه این حجم از مسافرت‌ها به معنای مصرف انرژی فراوان و انباشت گازهای گلخانه‌ای و آسیب‌های جدی به محیط‌زیست است، بنابراین با چنین چشم‌اندازی دیگر از اینکه چرا این همه پرواز کنسل شده است نگران نخواهیم شد و آن را فاجعه‌بار نخواهیم دانست. در واقع ظهور پدیده‌ای مثل کرونا می‌خواهد به ما بگوید زندگی بشر حتی بدون این همه پرواز هم به بن بست نخواهد رسید و نه تنها در فرازدمت آنچه ما بن‌بست می‌خوانیم اتفاق نمی‌افتد بلکه نوع تاز‌های از زندگی مسالمت‌آمیز با طبیعت، نوع جدیدی از زندگی با مصرف محدودتر، نوع جدیدی از نظام‌های سیاسی و اقتصادی هم متولد خواهد شد که احتمالاً کاری بسیار بالاتر با بی‌بیاهو و با مصرف کم‌تر دعوت می‌کند نام این رخداد، فاجعه است؟

دلکورت در بخش دیگری از این گفت‌وگو می‌گوید: «تأثیر شیوع این ویروس وادارمان خواهد کرد پدیده‌ای چون کرونا فرصتی برای دام انداختن این نوع تولیدهای آسیب صرفاً میان دوستان صمیمی و خانواده بی‌سرگرمی باشیم و یاد بگیریم خودبسنده مراقب باشیم. به یکبار، شوهای فنشن به نظر عجیب و بلامحل می‌آید، تبلیغات مسافرتی که وارد فضای کامپیوتری‌مان می‌شود متجاوزانه و مسخره به چشم می‌آید، فکر پروژه‌های آتی هم مبهم و بی‌نتیجه است. اصلاً اهمیتی هم خواهد داشت؟ هر روز یکی از سیستم‌هایی را که از زمان تولد احتمال مرگشان را در نظر بگیریم، چندین سال است که روی داده است. شما خود می‌توانید با اندکی حضور در شبکه‌های اجتماعی متوجه این رویداد شوید که تا چه اندازه محتوای مبتنی بر ایجاد حسرت- چقدر در گذشته خوشبخت بودیم و نمی‌دانستیم وای کاش آن روزها بود- و ترس و وحشت- اگر قرار باشد این ویروس ماها و سال‌ها یا ما باشد در آن صورت چه کنیم؟ - همه این‌ها شکل‌هایی از مقاومت در برابر آن چیزی است که روی داده است، اما چه کسی در برابر مصیبت مقاومت نمی‌کند و از دروازه مصیبت به سمت آگاه شدن استفاده نمی‌کند؟ کسی که صابر است، صابر هم کسی نیست که یک گوشه‌ای بنشیند و منتظر باشد و دست به هیچ کاری نزند. نه صابر کسی است که به واسطه آرامشی که در درون او مستقر شده از این آرامش در جهت خدمت به دیگران بهره می‌برد. مثلاً می‌بینید کسی پشت چرخ خیاطی نشسته و در حالتی خیر خواهانه و عام‌المنفعه بی‌آنکه سودی شخصی داشته باشد ماسک بهداشتی تهیه می‌کند یعنی وسط چالش یا مصیبت، دروازه‌ای به سمت خدمت باز کرده است.